

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از سناریوی داعش، انقلاب کردها آغاز می‌گردد!



(ترجمه)

پس از اعلام حکومت مرکزی عراق در خصوص سقوط گروه داعش، کردها سردادن شعارهایی؛ همچون: "مرگ به بارزانی، طالبانی سقوط خواهد کرد، انقلاب کردها بر ضد فاسدین آغاز گردیده و دولت فاسد باید سقوط کند"، را آغاز کرده و به خیابان‌ها بر آمدند. هم‌چنان به تاریخ ۱۸ اکتوبر سال ۲۰۱۷م اکثریت مردم کردستان عراق برای بهبود وضعیت اقتصادی، شرایط معیشتی و پرداخت معاشات ماهوارشان، در چندین شهر کردستان دست به تظاهرات زدند، که درین جریان، مقر احزاب کردستان از سوی معترضان به آتش کشیده شد. پولس مظاهره‌کننده‌گان را به زور سلاح و گاز اشک‌آور پراکنده کرد، که درین میان چندین کشته و زخمی به‌جای گذاشت و آثار دود از دفاتر احزاب حاکم کردستان در ناحیه "بیره‌مکرون" ولایت سلیمانیه مشاهده می‌گردید.

این‌گونه حوادث تازه نیست، در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵م نیز دفاتر احزاب سیاسی به آتش کشانیده شدند؛ ولی این بار دفاتر پنج حزب مهم؛ از جمله: اتحاد میهنی و حزب دموکراتیک کردستان (دو حزب حاکم)، دفاتر حزب تغییر و جماعت اسلامی و دفتر حزب اتحاد اسلامی احزاب مخالف بدون استثناء هدف قرار گرفتند که بعد از تظاهرات ۲۰۱۵م این‌بار پرخشونت‌ترین تظاهرات محسوب می‌گردد. در سه روز ۱۵ دفتر احزاب سیاسی به شمول مقر پارلمان شهری به آتش کشیده

شدند. یک تن از مظاهره کننده‌گان در مصاحبه‌ای با کانال خبری ۲۴ فرانسه گفت: «دفاتر احزاب را آتش می‌زنیم؛ زیرا که آن‌ها در تمام مشکلات اقتصادی و سیاسی مردم کُردستان، با نظام شریک بوده‌اند. آتش زدن دفاتر احزاب به این معنی است که مردم کُردستان از وجود احزابی که کُردستان را به تباهی کشانیده‌اند، دیگر خسته شده‌اند. حکومت اقلیم، پرداخت معاشات کارمندان را قطع و حتی نرخ مواد سوخت از ۱۵۰ دالر بالاتر رسیده، برق روزانه فقط ۴ ساعت می‌رسد، و مردم توان پرداخت هزینه‌های ایستگاه‌های ماشین برق خصوصی را ندارند.»

سیریل روسیل، کارشناس حوزه اقلیم، اظهار می‌دارد: «مهم‌ترین مشکل این منطقه، نبود اعتماد مردمی به حاکمان محلی بوده و احزاب سیاسی را مسئول وضعیت اخیر می‌دانند.» هم‌چنان زانه سعید معاون جماعت اسلامی کُردستان گفته است: «نبود اعتماد مردمی به حاکمان محلی و ناکامی وعده‌های اصلاحات آنان و ناکامی حکومت در تمام ابعاد، مردم را مجبور به تظاهرات کرد.» سعید واضح ساخت: «حکومت کُردستان عراق مستحق تظاهرات نه؛ بلکه مستحق انقلاب است؛ چون حکومت توجهی به مردم ندارد، بلکه همه توجه آن صرف امور منطقه‌ای و بین‌المللی و صرف منافع احزاب سیاسی می‌باشد.»

منابع خبری از سلیمانیه می‌رساند که نیروهای پولیس اضافی از مرکز سلیمانیه به قصد مناطق ازدحام مظاهره کننده‌گان ارسال گردیده‌اند. هم‌چنان منابع خبری حاکی از آنست که نیروهای اضافی از بغداد برای کنترل اوضاع و جلوگیری گسترش تظاهرات و خطر استفاده نیروهای مسلح غیرمسئول به سلیمانیه ارسال گردیده‌اند. هم‌چنان "خلیج آنلاین" چنین توضیح داده است: «نیروهای کردی برای دفع خطرات، چندین تن را بازداشت و رسانه‌ها را از پخش و نشر تصاویر و صحنه‌های داخل شهر، منع کردند.» یک منبعی که نخواست هویتش فاش شود، اظهار داشته که خدمات برقی، اینترنتی و راه‌های مهم مواصلاتی برای چندین ساعت متوقف گردیده بود.

پس از اشغال عراق در ۲۰۰۳م، احزاب کُردستان، هویت مردمی خود را از دست دادند؛ چون مردم با بلند نمودن شعارهای ناسزا به احزاب، به خیابان‌ها بر آمدند؛ در حالی که قبل از آن، اقلیم از وضعیت اقتصادی و سیاسی خوبی برخوردار بود. تحلیل‌گران محلی به این نظر اند: اموری زیادی سبب خروج مردم گردیده‌اند؛ اول آن برمی‌گردد به فساد در سطوح دولت، اختلاس دارائی‌های عامه و عدم خدمات معیشتی مردم، ولی هر بار مسئولین دولت مشکلات مردمی را فقط وسیله اهداف سیاسی قرار می‌دهند. کارشناسان معتقد اند که دامنه تظاهرات به اربیل و مناطق دیگر تحت سیطره حزب بارزانی گسترش خواهد یافت. شعارهایی را که مظاهره کننده‌گان حمل می‌کردند، بدون استثناء تمام گروه‌ها و احزاب را در برمی‌گیرند. به عبارت دیگر، قهر مردم تمام ارگان‌های دولتی حزبی را در برگرفته و این تظاهرات مقدمه‌ای برای انقلاب بهار کردی خواهد

بود. یک تن از مظاهره کننده‌گان که محصل دانشگاه "کفری" است، اظهار داشت که: «دولت اقلیم کردستان قادر به دفاع از مناطق تحت منازعه نبوده و اکنون قادر به دفاع از نصف باقی هم نمی‌باشد.»

نشانه‌ها حاکی از آنست که تظاهرات از مسیر خود منحرف شده است؛ چون هدف نخست آن‌ها اصلاحات اداری، پرداخت معاشات کارمندان و محاسبهٔ مفسدین بود؛ ولی مظاهره کننده‌گان "شعار سقوط دولت" را سردادند. بیم آن می‌رود که تظاهرات به یک انقلاب مسلحانه مردمی مبدل گردد؛ درست مانند سناریوی ولایت انبار که خیزش مردمی سه سال دوام کرد و به جز خرابی زیربنای اقتصادی و قتل هزارها تن بی‌گناه چیزی را به ارث باقی نگذاشت.

اقلیم کردستان که به نسبت دیگر شهرهای عراق نسبتاً آرام بود؛ بعد از همه‌پرسی‌ای که بارزانی به تاریخ ۲۵ دسامبر سال ۲۰۱۷م انجام داده بود، اکنون اوضاع متشنج به نظر می‌رسد. سیاست مصیبت‌بار همه‌پرسی‌ای که بارزانی در حق برادران کردی اتخاذ کرد، به رد سازمان ملل، حکومت مرکزی و دول منطقوی مواجه گردید و در طول چندین سال سرمایهٔ هنگفت و استخراج سرسام‌آور نفت و برعلاوه، تقریباً ۱۷ درصد درآمد عراق را در اختیار خود قرار داده بود.

با وجود موارد فوق، اتخاذ سیاست نادرست، دزدی، معامله‌گری، فساد اداری سبب زوال اقتصاد و فقر مردم کردستان گردیده‌اند. دولت مرکزی تمام مشکلات را بدوش حکومت متحد کردستان می‌اندازد؛ در حالی که ولایات تحت سیطرهٔ بغداد هم به سبب سیاست حکومت اشغالی، شاهد ظلم، فساد و خرابی بوده‌اند. سهل‌انگاری در امور بنیادی، ویرانی که به اثر جنگ ساخته‌گی در تمام ابعاد زندگی به وجود آمده، سرقت دارائی‌های عامه و پنهان شدن ملیاردها سرمایه در جیب دولت‌مردان و ملیشه‌های عراقی و کردی، دلیل برین است که دولت مرکزی و اقلیم کردستان در فساد، ظلم، تباہ‌سازی مردم مساوی قدم برمی‌دارند و هردو نظام، از رحم کفار استعمارگر متولد شده‌اند.

در ده سال گذشته واقعیت کردستان چنین بود که تمام دارائی و عوائد مالی توسط احزاب اختلاس، بین آن‌ها تقسیم و برای چندین سال بودجهٔ اقلیم به نفع مسعود بارزانی، خاندان، طرفداران و بقیه احزاب حاکم پنهان گردید، که به اثر آن فقر و ذلت مردمی بیشتر گردید؛ پس دولت مجبور گردید تا برای سرکوب مخالفان خود، گروه‌های مسلح غیرمسئول را ایجاد و رسانه‌ها را ممنوع سازد، گویا نظام کاملاً دیکتاتوری مروج گردیده است. اکنون وضعیت کردستان طوری است که به سبب سیاست‌های نادرست و بی‌رحم، قادر به درست کردن حال خود نیست و در اربیل، با حضور ادارهٔ پولیس ظالم، مردم جرئت تظاهرات و ابراز رأی مخالف و توان مطالبهٔ بهتر شدن وضعیت معیشت خود را ندارند؛ بلکه در صورت مخالفت، مردم ترور و اختطاف می‌گردند.

بنابر آنچه بیان گردید، مشکلات کُردستان با تشکیل دولت مستقل و اقلیم مستقل حل نمی‌گردد؛ هر دولتی بنام گردد، بدون اداره غرب و رضایت ترکیه، سوریه، ایران، عراق و کشورهای دیگر که در آن کردها حضور دارند، به پیش نخواهد رفت. این دول چهارگانه مخالف تأسیس هرگونه دولت مستقل کُردی می‌باشند؛ پس رفع مشکلات کردها و اقوام دیگر، به جز تشکیل امت واحد، حل نمی‌گردد. کردها، تُرک‌ها، عرب‌ها، فارس، بربرها، افغان‌ها و پاکستانی‌ها، همه مسلمان و امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بوده و لازم است تا آنها در جمع شدن بر کتاب الله سبحانه و تعالی، سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و بر ایجاد دولت واحد اسلامی فرخوانده شوند تا شریعت بالای آنها تطبیق و حقوق و امتیازات آنها مساویانه، بدون تبعیض، طوری تقسیم گردد که همه باهم برادر اسلامی و جز تقوی، عرب بر عجم فضیلتی نداشته باشد.

مسلمانان باید دستان کثیف بیگانه‌گانی را که در امور زندگی‌شان مداخله می‌کنند، قطع و مشکلات خود را بدون مداخلات خارجی‌ها حل سازند؛ پس مشکلات بین برادران هر قدر که زیاد باشند، با روحیه اخوت اسلامی به طور آسان حل می‌گردد؛ ولی هرگاه مشکلات بر اساس قومیت و منطوقی حل گردد، در آن صورت مشکلات بزرگ‌تر خواهند شد.

بر برادران کُردی لازم است تا اقدام اسلامی خالص اتخاذ نموده و هرگونه پلان دشمنان خود را ناکام و نژادپرستی را دور انداخته، حکام مزدور را محاسبه اسلامی نموده، حمایت و کمک‌های امریکا، فرانسه و انگلیس را که دشمن مشترک اند، رد نموده و همگام با دعوت‌گران برای اقامه دولت خلافت راشده و سقوط نظام‌های کفری دست بکار شوند تا حقوق و امتیازات، دارائی‌ها و زمینه زندگی خوب را تحت سایه خلافت اسلامی نصیب شده و دارائی‌های از دست رفته خود را دوباره برگردانند.

نویسنده: علی البدری

۲۳ ربیع الثانی ۱۴۳۹ هـ.ق

۱۰ جنوری ۲۰۱۸ م